



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

▪ مقاله کاری شماره (۱۳) / فروردین ۱۳۹۲

▪ تورم و جبران کاهش ارزش پول از دیدگاه اسلامی: گزارش هفتمین جلسه از سلسله نشست‌های

نقد پژوهش‌های بانکداری و مالی اسلامی

▪ حسین میسمی*

▪ کلمات کلیدی: تورم، ربا، مالیه تورمی، دولت اسلامی، بانکداری و مالی اسلامی.

▪ طبقه‌بندی JEL: Z۱۰, O۱۶, O۱۰, L۸۷.

*کارشناس ارشد پژوهشی، گروه بانکداری، پژوهشکده پولی و بانکی و دانشجوی دکتری رشته اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع).



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

پژوهشکده پولی و بانکی

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

تهران: میدان آرژانتین، ابتدای بزرگراه آفریقا، روبروی پارکینگ بیهقی، پلاک ۱۰

کدپستی: ۱۵۱۴۹۴۷۱۱۱ صندوق پستی: ۷۹۴۹-۱۵۸۷۵

www.mbri.ac.ir

▪ دیدگاه و نظرات ارائه شده در این مقاله متعلق به نویسندگان بوده و لزوماً نظر پژوهشکده پولی و بانکی را منعکس نمی‌کند.

▪ کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پژوهشکده پولی و بانکی می‌باشد، لیکن استفاده از نتایج این مقاله با ذکر منبع بلامانع است.



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

فهرست مطالب

الف. مقدمه	۴
ب. خلاصه مقاله	۵
ج. نقاط قوت مقاله	۶
د. نقاط ضعف کلی و ساختاری	۷
ه- نقاط ضعف جزئی و موردی	۱۴
و- منابع و مآخذ	۱۹



الف. مقدمه

پس از برگزاری شش نشست از سلسله جلسات نقد پژوهش‌های بانکداری و مالی اسلامی، پژوهشکده پولی و بانکی اقدام به برگزاری هفتمین جلسه در تاریخ نهم اسفند ماه ۱۳۹۱ نمود. هدف از برگزاری این جلسه ایجاد تضارب آراء میان محققان در رابطه با موضوع تورم و جبران کاهش ارزش پول بود. در واقع سوال اصلی این نشست آن بود که آیا در شرایطی که تورم در اقتصادی وجود دارد، بر اساس معیارهای بانکداری و مالی اسلامی لازم است قرض‌دهندگان علاوه بر اصل وجوه خود، به دلیل تورم نیز جبران شوند و آیا این جبران ربا نمی‌باشد؟ در این راستا، پس از بررسی در بین مقالات و کتب چاپ شده در حوزه بانکداری و مالی اسلامی در رابطه با موضوع، کتاب ربا و تورم نوشته آقای حجه‌الاسلام دکتر احمد علی یوسفی (دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) به عنوان منبعی مناسب جهت برگزاری جلسه نقد انتخاب گردید (این کتاب، قبلاً به عنوان کتاب سال شناخته شده و مورد تقدیر ریاست جمهور قرار گرفته است). پس از انتخاب منبع، متن آن بر روی سایت پژوهشکده قرار گرفت و پوستر جلسه به دانشگاه‌ها، مؤسسات گوناگون آموزشی و پژوهشی و بانک‌ها و مؤسسات اعتباری ارسال گردید و از محققان خواسته شد تا این تحقیق را در معرض نقدهای مکتوب خود قرار دهند. پس از جمع‌آوری تمامی نقدها در بازه زمانی تعیین‌شده، تمامی آنها در معرض داوری، دسته‌بندی و اولویت‌بندی قرار گرفت. در مرحله بعد، نقدهای تکراری حذف گردید و کلیه نقدها نیز در سه دسته زیر تقسیم‌بندی شد:

الف. نقاط قوت (۶ مورد)

ب. نقاط ضعف اصلی و مبنایی (۱۱ مورد)



ج. نقاط ضعف فرعی و حاشیه‌ای (۱۲ مورد)

تمامی نقدها قبل از جلسه در اختیار نویسنده کتاب قرار گرفت و پس از آن جلسه با حضور اساتید، پژوهشگران و برخی کارشناسان بانکی برگزار گردید. با توجه به محدودیت‌های زمانی، تنها امکان پاسخگویی به نقدهای اصیل و مبنایی (گروه ب) برای نویسنده فراهم شد و از نقدهای فرعی و حاشیه‌ای (گروه ج) صرف نظر گردید. یادآور می‌شود در پایان این جلسه، نقد تدوین شده توسط آقای سجاد ابراهیمی، به عنوان نقد برتر شناخته شد و از ایشان تقدیر به عمل آمد. با توجه به جدید بودن بسیاری مباحث در اقتصاد و مالی اسلامی، نباید انتظار داشت که نقدها و پاسخ‌ها به طور کامل قانع‌کننده بوده و مباحث تمام شود، بلکه بسیاری از مباحث باز بوده و این خود زمینه تدوین تحقیقات آتی در حوزه‌های مختلف بانکداری اسلامی را فراهم می‌کند. در ادامه به خلاصه تحقیق و همچنین نقاط قوت و ضعف آن اشاره می‌شود.

ب. خلاصه مقاله

فصل ششم کتاب ربا و تورم^۱، تلاش می‌کند تا با بررسی گسترده ادبیات موضوع، نظریات فقیهان و دانش پژوهان مذاهب اسلامی در رابطه با مقوله جبران کاهش ارزش پول را گردآورده و با استفاده از دانش فقه، اقتصاد و حقوق به نقد و بررسی آن‌ها بپردازد. مجموع این نظریه‌ها به پنج دسته کلی زیر تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از:

^۱. لازم به ذکر است که پنج فصلی قبلی کتاب، جنبه مقدماتی برای فصل ششم دارند و مطالعه آن‌ها می‌تواند به فهم فصل ششم کمک نماید. در رابطه با فصول قبلی می‌توان بیان نمود که پس از مقدمه که دربردارنده مباحثی از قبیل هدف و ضرورت، روش و فرضیه‌های تحقیق است، فصل اول، به تاریخچه و ادبیات «جبران کاهش ارزش پول» در کشورهای گوناگون جهان و از دیدگاه‌های متفاوت می‌پردازد. فصل دوم، مباحث مربوط به انواع پول و ابعاد آن را از دیدگاه اقتصادی، فقهی و حقوقی بررسی می‌کند. تبیین مفهوم و مصداق ربا از دیدگاه فقیهان و دانش پژوهان مذاهب گوناگون اسلامی، در فصل سوم مورد کاوش واقع می‌شود. فصل چهارم نیز مباحث مربوط به ابعاد تورم را از جهت اقتصادی بررسی کرده و فصل پنجم، شامل مقوله تورم در صدر اسلام و چگونگی برخورد شریعت اسلام و ائمه با آن می‌گردد.



۱- ضرورت جبران کاهش ارزش پول به طور مطلق و در تمامی شرایط

۲- جایز نبودن جبران کاهش ارزش پول به طور مطلق و در تمامی شرایط

۳- ضرورت تفصیل بین شرایط گوناگون

۴- ضرورت مصالحه بین طرفین

۵- ضرورت ارائه راهکارهایی برای جبران ضرر وارد شده بر طلبکار.

در این فصل نویسنده پس از بررسی و نقد تمامی این نظرات، دیدگاه منتخب خود را در سه حالت مورد بررسی قرار می‌دهد که عبارت‌اند از: الف. تورّم شدید؛ به گونه‌ای که عرف عام در مقابل آن در قراردادهای مدّت دار، از خود واکنش قابل ملاحظه‌ای نشان دهد. در این حالت نشان داده می‌شود که جبران کاهش ارزش پول واجب بوده و از مصادیق ربا به شمار نمی‌رود. ب. تورّم خفیف؛ به طوری که عرف عام در مقابل آن در قراردادهای مدّت دار از خود هیچگونه واکنش قابل ملاحظه‌ای نشان ندهد. نتیجه بررسی محقق در این حالت نشان می‌دهد که جبران کاهش ارزش پول جایز نبوده و از مصداق رباست. ج. تورّم متوسط؛ به صورتی که نوع واکنش عرف عام در مواجهه با آن قابل تشخیص نباشد. در این حالت تحلیل‌های نویسنده نشان می‌دهد که جبران کاهش ارزش پول جایز نبوده و مصالحه بین طرفین، طریق احتیاط است.

ج. نقاط قوّت مقاله

۱- توجه به موضوعی کاربردی یعنی تورّم یکی از نقاط قوت این پژوهش است. اهمیت تحلیل این موضوع از منظری اسلامی زمانی بیشتر خود را نمایان می‌سازد که توجه شود، اقتصاد ایران برای مدت طولانی از پدیده تورّم رنج برده و می‌برد.



- ۲- نویسنده تلاش زیادی نموده است تا دیدگاه‌های مختلفی که در رابطه با جبران کاهش ارزش پول مطرح شده است را همراه با دلایل آن‌ها جمع‌آوری نموده و مورد نقد قرار دهد که این خود بر قوت کار افزوده است.
- ۳- نویسنده در تحلیل‌های خود به میزان مناسبی از آیات قرآن و همچنین روایات معتبر، بهره گرفته است که این خود تلاشی قابل تقدیر می‌باشد.
- ۴- نویسنده در برخی بخش‌ها علاوه بر تحلیل دیدگاه‌های فقهای شیعه، دیدگاه محققین اهل سنت را نیز مورد بررسی قرار داده است که در جای خود بسیار ارزشمند است.
- ۵- رویکرد اجتهادی نویسنده در مباحث و نقد و بررسی جنبه‌های مختلف موضوع از سایر نکات مثبت موجود در این تحقیق است.
- ۶- یکی از ویژگی‌های مهم این تحقیق آن است که در کنار دلایل نقلی به دلایل عقلی و منطقی نیز اشاره کرده است و تنها بر ادله نقلی تکیه ننموده است.

د. نقاط ضعف کلی و ساختاری

- ۱- نویسنده موضوع تورم را تنها در چارچوب احکام اولیه مورد توجه قرار می‌دهد. در حالی که با توجه به ابعاد اجتماعی موضوع تورم، شاید جا داشت تا موضوع در فضای احکام ثانویه و حکومتی نیز دیده شود. در واقع مناسب بود به این سوال پاسخ داده شود که آیا مصلحت‌سنجی حکومت اسلامی در جبران کاهش ارزش پول می‌تواند اثر داشته باشد یا خیر و اگر پاسخ مثبت است، آیا دولت نیز اجازه دارد که در حوزه مصلحت‌سنجی وارد شود یا خیر؟ به طور مشخص، اگر به لحاظ احکام اولیه این مطلب ثابت شود که جبران کاهش ارزش پول صحیح



نیست، آیا دولت می‌تواند با در نظر گرفتن مصالحی جبران را الزامی نماید؟ علاوه بر این، مناسب بود که به ملاک‌های مصلحت‌سنجی در مقوله جبران کاهش ارزش پول نیز توجه می‌گردید.

پاسخ نویسنده: هر محقق و فقیهی در بررسی موضوعات ابتدا به دنبال حکم اولیه و تکلیفی موضوع می‌باشد و پس از آن به مقوله احکام ثانویه و سایر نکات می‌پردازد. در واقع در برخی شرایط، جامعه کشش اقامه برخی از احکام اولیه را ندارد که در این موارد نیاز به مصلحت‌سنجی به وجود می‌آید. به عنوان مثال، در اوایل انقلاب به مدت چند سال بانکداری ربوی در کشور اجرا شد تا پس از این مدت، قانون عملیات بانکی بدون ربا به تصویب رسید و اجرا شد. در واقع در این شرایط هر چند حکم اولیه حرمت ربا بود، اما در عمل اجرای بانکداری اسلامی نیاز به زمینه‌سازی داشت که در نتیجه در بازه‌ای کوتاه بانکداری ربوی ادامه یافت. به هر حال نقد مطرح شده وارد بوده و در ویرایش‌های آتی اثر به آن توجه خواهد شد.

۲- ایجاد تورم یک اتفاق پیش‌بینی نشده و غیرمترقبه و بلیه سمائی نیست. مقصر تورم، دولت است و باید نقشی برای دولت در جبران کاهش ارزش پول مردم تعیین گردد. نویسنده اشاره ای به مقصر این کاهش ارزش‌ها و نقش وی در جبران آن نداشته است.

پاسخ نویسنده: فصل ششم کتاب فصل آخر کتاب می‌باشد اما در فصل چهارم به صورت مستقل به مقوله تورم اشاره شده است که می‌توان مباحث تکمیلی را در آن فصل پیگیری نمود. علاوه بر این، باید میزان تقصیر دولت مشخص شود؛ چرا که دولت هر چند در ایجاد تورم نقش دارد، اما عوامل دیگری نیز به تورم دامن می‌زنند که به دولت ارتباطی نمی‌یابند. بنابراین لازم است به میزان نقش دولت در ایجاد تورم توجه شود. البته جای این نکته در تحقیق اینجانب خالی است که حتما در آینده به آن توجه خواهم نمود.



۳- اگر فرض کنیم که در حال حاضر در اقتصاد کشور تورم شدید وجود دارد و ثابت شود که مردم نیز تورم بالای پانزده را تورم شدید می‌دانند، طبق استدلال نویسنده جبران آن لازم است. حال سوال آن است که اگر تورم مثلا ۲۵ درصد باشد، باید کل ۲۵ درصد جبران شود یا فقط فاصله بین ۱۵ تا ۲۵؟ چرا که مردم عملا تا ۱۵ درصد تورم را در قراردادهای خود لحاظ نمی‌کردند. در این تحقیق به این سوال توجهی نشده است.

پاسخ نویسنده: یکی از ادله اصلی این تحقیق مثلی بودن پول در قدرت خرید است. به عبارت دیگر، پول مثلی است اما مثلی بودن آن بر اساس قدرت خرید است. یعنی فرد باید همان قدرت خریدی که قرض گرفته است را باز گرداند. بحث ما در این تحقیق اصل موضوع جبران کاهش ارزش پول است اما در مورد روش اجرائی آن باید فکر بیشتری صورت پذیرد. اما نکته اصلی آن است که اگر تورم به کف تعیین شده برسد (مثلا کف پانزده درصد باشد و تورم در عمل بیست درصد گردد) باید کل آن جبران شود نه فاصله کف تورم با مقدار واقعی.

۴- یکی از مشکلات این تحقیق آن است که بحث کاهش ارزش پول را تنها در چارچوب فقه سنتی و شخصی مطرح می‌کند و از تحلیل آن در چارچوبی کاربردی (به عنوان نمونه فقه بانکی) غافل است. این در حالی است که به نظر می‌رسد کاملا ممکن بود که شیوه کاربرد نتایج تحلیل‌های ارائه شده در فضای پولی و بانکی کشور برجسته شود. به عنوان مثال مناسب بود به عنوان نمونه‌ای کاربردی از بحث، به حساب‌های سپرده‌گذاری پس‌انداز و جاری که بر اساس عقد قرض الحسنه بین بانک و صاحبان سپرده منعقد می‌شود اشاره شده و بیان شود در حالات مختلف (تورم شدید، خفیف و متوسط) جبران احتمالی در هر یک از سپرده‌ها به چه صورت خواهد بود؟



پاسخ نویسنده: هر چند بحثی که ما انجام دادیم در چارچوب فقه سنتی می‌باشد، اما به دلالت‌های کاربردی آن نیز به صورت خلاصه اشاره شده است. به طور مشخص در صفحات ۴۱ تا ۴۶ کتاب به مقوله سپرده‌های بانکی پرداخته می‌شود.

۵- نویسنده در بخش نتیجه‌گیری پایانی فصل، بر ضرورت توجه به عرف به عنوان مرجع تعیین بازپرداخت تاکید می‌کند، اما در خصوص اینکه چگونه این رفتارها می‌تواند مشاهده شده و بررسی گردد، حرفی به میان نمی‌آورد. به عبارت دیگر، در رابطه با اینکه چگونه می‌توان نظر عرف را استخراج نمود توضیحی نمی‌دهد؟ از این رو نهایتاً راهکاری برای تعیین این مسئله که در شرایط فعلی اقتصاد کشور که تورم‌های دو رقمی وجود دارد، از چه طریقی می‌توان به نظر عرف دست یافت؟ همچنین توضیح نمی‌دهند که منظور از عرف چه کسانی می‌باشند؛ آیا مردم عادی منظور است یا عرف متخصص و غیره.

پاسخ نویسنده: مقوله عرف در ضمیمه فصل دوم کتاب مطرح شده است. به طور مشخص سه نوع عرف داریم: عرف عقل‌گرا، عرف اهل تسامح، عرف عام و عقلانی. عرف مورد نظر در فقه، نه عرف عقلی (که موضوعات را با دقت‌های عقلی و فلسفی بررسی می‌کند) و نه عرف اهل تسامح (که اصلاً به احکام توجیهی ندارد) نمی‌باشد؛ بلکه عرف عام و عقلانی ملاک است. بنابراین بنده در فصل دوم به حوزه عملیه پیشنهاد دادم تا در کنار دستگاه کشف احکام، ساختاری جهت موضوع‌شناسی نیز ایجاد کند تا احکام فقهی که نیاز به درک موضوع دارد، بر اساس موضوع‌شناسی این دستگاه، تبیین گردند.

۶- موضوع دیگری که در رابطه با جایگاه عرف در تعیین بازپرداخت جای بحث دارد، این مقوله است که برای یک مساله کمی و حسابداری، تعیین یک معیار کیفی و غیر قابل احصاء (به نام عرف) می‌تواند قابل نقد



باشد. به عبارت دیگر، قرض دادن، قرض گرفتن، بانکداری و این مسائل، تماما با ملاک‌های دقیق کمی سر و کار دارند؛ حال آن که در اینجا راه حل و کلید اصلی در اختیار یک معیار کیفی به نام «عرف و عقلا» قرار داده شده است که ممکن است با توجه به تفسیرهای مختلف از آن راه حل‌های مختلفی را حاصل کند. علاوه بر این، چگونه می‌توان علیرغم وجود دیدگاه‌های مختلف و بعضا متعارض در میان مردم، به کشف نظر قطعی عرف اقدام نمود؟

پاسخ نویسنده: مراجعه به عرف در تشخیص مصادیق، امری است که در فقه به آن اشاره و تاکید شده است. اما با این حال شیوه اجرائی کشف نظرات عرف مردم خود محل بحث بوده و لازم است دستگاه حوزه در رابطه با آن راه حلی ارائه دهد.

۷- اگر پول اعتباری برحسب قدرت خرید حقیقی مثلی است، دیگر فرقی بین تورم خفیف و شدید نیست. به عبارتی دیگر فرقی ندارد که در تورم خفیف مردم واکنش نشان بدهند یا خیر. کاهش قدرت خرید حقیقی ولو اندک، نوعی تضییع حق و مال است و باید جبران شود، چراکه شاید برای یک نفر از طبقه ضعیف همان کاهش ارزش اندک هم مهم باشد و نباید آنچه که حق و مال اوست را به دلیل عدم واکنش عرف، نادیده انگاشت. دلیل نویسنده در انتهای بخش و اشاره به مرجع تشخیص مفاهیم و مرجع تشخیص مصادیق بودن عرف چندان مرتبط و قانع کننده نمی‌باشد.

پاسخ نویسنده: این سوال مقوله دقیق را مورد توجه قرار داده است. نکته اصلی در بحث ما آن است که وقتی کاهش ارزش پول کم باشد، عرف آن را درک نکرده و لذا واکنش نشان نمی‌دهد، از این رو در این شرایط اثبات حقی برای قرض دهنده به وجود نمی‌آید و طبیعتا تضییع حق نیز اتفاق نمی‌افتد.



۸- از منظر علم اقتصاد، «جبران کاهش ارزش پول ناشی از تورم»، هم می‌تواند اثرات خوب و هم اثرات بد داشته باشد؛ در حالی که در این تحقیق به اثرات منفی جبران کاهش ارزش پول در اقتصادی مانند ایران، اشاره‌ای نشده است. به عنوان مثال، یکی از آثار خوب جبران کاهش ارزش پول، آن است که قدرت خرید را به حالت قبل از تورم باز می‌گرداند. اما در مقابل، یکی از آثار منفی آن هم این است که چنانچه کشور در وضعیت رکود تورمی باشد (مانند وضع موجود) و سرمایه‌گذاری‌های انجام شده توسط بانک‌ها از محل سپرده‌های مردم، بازدهی کمتری نسبت به نرخ تورم داشته باشد (مثلاً نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری توسط بانک‌ها ۱۵ درصد باشد در حالیکه نرخ تورم ۳۲ درصد است)، آنگاه بانک‌ها ناچارند برای جبران قدرت خرید سپرده‌های مردم، نرخ سود حداقل ۳۲ درصد را پرداخت نمایند و چون برای چنین پرداختی با کمبود منابع روبرو هستند، ناچارند تا از سپرده‌های قانونی خود استفاده نمایند و یا از بانک مرکزی استقراض کنند. چنین عملی حجم پول در دست مردم را افزایش داده و بر تورم دامن می‌زند و این چرخه تکرار می‌شود. همچنین اگر وضعیت تورم بالا و سودآوری پایین سرمایه‌گذاری بانک‌ها ادامه داشته باشد و بانک‌ها ناچار باشند تا نرخ سودی به اندازه‌ی تورم را به سپرده‌گذاران بپردازند، آنگاه بسیاری از بانک‌ها در معرض ورشکستگی قرار خواهند گرفت و بالا رفتن نرخ سود تسهیلات اعطائی بانک، در نهایت تولید جامعه آسیب خواهد دید.

پاسخ نویسنده: این مطلب صحیح است و باید به آثار منفی جبران کاهش ارزش پول در کنار آثار مثبت آن توجه شود. البته یادآور می‌شود بحث اصلی ما تبیین حق و حقوق در زمان جبران کاهش ارزش پول می‌باشد. در واقع محل تمرکز آن است که در زمان ایجاد تورم آیا ذینفعان نظام بانکی و غیره لازم است به جبران کاهش ارزش پول بپردازند.



۹- نظرات مراجع عظام تقلید نسبت به نتیجه بحث آورده نشده است و از این رو مخاطب کتاب در انتهای بحث، نسبت به مراودات اقتصادی مرتبط خود با این موضوع (مشکلات عملی)، دچار تردید، شبهه و سردرگمی می‌شود. پسندیده بود که نویسنده محترم نظرات مراجع عظام تقلید نسبت به نتیجه بحث را کسب و به انتهای بحث اضافه می‌نمودند تا به غنای کار بیش از پیش افزوده شود. همچنین مناسب بوده نویسنده به این مسئله که در عمل چگونه می‌توان بین اختلافات موجود بین مراجع جمع نمود نیز بحث می‌کردند و روش‌شناسی عملیاتی سازی نظریه خود در اقتصاد کشور را نیز مورد بحث قرار می‌دادند تا ایده خوبی که مطرح کرده‌اند، صرفاً کاری تحقیقاتی باقی نماند و زمینه اجرایی شدن آن نیز تبیین شود.

پاسخ نویسنده: بنده در بخش‌های مختلف تحقق نظرات مراجع را جمع‌آوری کرده‌ام. اما این مطلب که این

مطالب به صورت یکجا ذکر و جمع‌بندی نشده است نقدی وارد بوده و در تحقیقات آینده لحاظ خواهم نمود.

۱۰- به نظر می‌رسد تبیینی که نویسنده از مفهوم قدرت خرید کرده است، با آنچه در دانش اقتصاد مطرح می‌شود ناسازگار است. چرا که ایشان در بخش‌های مختلف کار از عنوان: «قدرت خرید اسمی پول» نام می‌برد که نوعی تعارض در خود دارد. قدرت خرید اساساً به معنی توان خرید کالاها و خدمات با پول است که مفهومی واقعی است و لذا قدرت خرید اسمی معنی ندارد.

پاسخ نویسنده: این اشکال وارد است و عبارت صحیح ارزش اسمی پول و ارزش واقعی پول می‌باشد.

۱۱- در بخش دوم فصل، نویسنده به ادله ملاک بودن قدرت خرید حقیقی پول می‌پردازد. هر چند دلایل نخست تا سوم و حتی تا حدودی چهارم، بدرستی بدنبال اثبات ملاک بودن قدرت خرید حقیقی پول هستند، اما دلیل پنجم تا یازدهم به نظر می‌رسد که بیشتر بجای اینکه بدنبال اثبات چیزی باشند، مزیت‌های ملاک



بودن قدرت خرید حقیقی پول را بر می‌شمارند. به عبارت دیگر، در این بخش‌ها اشاره شده است که اگر ملاک قدرت خرید پول باشد، وفای به عهد زیاد می‌شود، قرض الحسنه زیاد می‌شود و غیره؛ لذا چون این‌ها خوب هستند، باید ملاک قدرت خرید حقیقی پول باشد. این نوع استدلال از نظر ماهیت نمی‌تواند با دلایل قبلی در یک طبقه قرار گیرد.

پاسخ نویسنده: دلایل پنجم تا یازدهم دلایل مطرح شده توسط فقهای اهل سنت است و نه دلایل اینجانب.

ه- نقاط ضعف جزئی و موردی

۱- عنوان بندی‌های مقاله دارای ضعف‌هایی می‌باشد. مناسب است اصلاحاتی در آن صورت پذیرد. مثلاً بهتر بود مطالب و اظهار نظرات فقها منظم‌تر دسته‌بندی می‌شد و در نهایت یک جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کلی ارائه می‌شد. بنظر می‌رسد در خصوص شماره‌گذاری و بخش بندی این نوشتار باید دقت شود؛ به این علت که بخش‌های مختلف با حروف و با یک، دو و سه... مجزا شده‌اند و شاید خواننده فراموش کند که این تیتربندی‌ها چه دلیل آورده شده است. این نکته در کل بحث به چشم می‌خورد و شماره‌گذاری و تیتربندی‌ها اصولی به نظر نمی‌رسد.

۲- نقد و بررسی ادله نخست (صفحه ۱۵۹ و ۱۶۰) ضعیف است و تفکیک و توضیح مناسبی در تفاوت بین قدرت خرید اسمی و حقیقی انجام نشده و برخی از جاها از قدرت خرید بدون تفکیک اسمی و حقیقی بودنش استفاده شده است. در حالیکه این تفکیک در نتیجه بحث لازم و مفید می‌باشد.

۳- به نظر می‌رسد نویسنده با ذهنیت شخصی خود مبنی بر «خوب بودن جبران کاهش ارزش پول ناشی از تورم»، جبران ارزش پول ناشی از تورم را امری در جهت مبارزه با آثار تورم معرفی می‌کند؛ ولی هرگز به این نکته



توجه ندارند که در یک پژوهش علمی، پژوهشگر نباید مسیر تحقیق را به سمتی هدایت کند که با پیش‌زمینه‌ی ذهنی وی همخوانی دارد و در پایان تحقیق همان نتیجه‌ای را بگیرد که قبل از انجام تحقیق در ذهن خود پرورانده بود. پژوهشگر به هیچ عنوان نباید قبل از انجام تحقیق، فرضی در رابطه با نتیجه تحقیق داشته باشد.

۴- در بخش اول فصل تحت عنوان: «دلیل سوم: ارزش اعتباری پول تغییر نمی‌کند»، نویسنده ادعا کرده ارزش پول با اعتبار اعتبارکننده کم و زیاد نمی‌شود که این در حالت مستقیم صحیح است. نویسنده باید اشاره می‌نمود که اگر اعتباردهنده اعتبار خود را از پول بردارد، تقاضا برای پول کاهش می‌یابد و از ارزش و اعتبار ساقط می‌شود. یعنی اعتباردهنده به طور غسرمستقیم در کم و زیاد شدن ارزش پول نقش دارد.

۵- جواب نویسنده به دلیل چهارم (ضرر وارد شده از اراده مدیون خارج است)، می‌توانست کامل‌تر باشد. در این بخش بیان نمی‌شود که تکلیف جبران به کسی که در زیان و کاهش ارزش پول مقصر نبوده چه وجه شرعی دارد؟ اگر فردی اسبی را به دیگری قرض دهد و دو سال آن اسب را بگیرد آیا عرف حق می‌دهد به قرض دهنده که به قرض گیرنده بگوید: من اسب دوسال جوانتر دادم این اسب الان دوسال پیرتر شده است؟ عرف میدانند ذات اسب پیر شدن به مرور زمان است بنابراین قرض گیرنده در پیر شدن اسب نقشی نداشته است. قرض دهنده پول هم می‌داند ذات پول در شرایط فعلی کاهش ارزش است و نباید مدعی ارزش از دست رفته پولش باشد. مگر آنکه در هنگام قرض دادن قرض دهنده قید نماید که من یک اسب مثلاً پنج ساله به تو میدهم و تو باید یک اسب پنج ساله به من پس بدهی. همچنین جا داشت تا به این سوالات هم در رابطه با قرض پول پاسخ داده شود: در امانت فرد امانت پذیر آیا وظیفه صیانت و حفاظت از امانت را ندارد؟ در صورت رسیدن آسیب به امانت نباید آن را جبران کند؟ ویژگی‌های امانی چیست؟



۶- در دلیل شانزدهم (اسکناس سندی از پشتوانه)، نویسنده به خوبی بیان نداشته که چرا پول مال است و سند پشتوانه نیست. برخلاف استدلال نویسنده، سند نیز می‌تواند مطلوبیت داشته و از محدودیت و کمبود برخوردار باشد. همچنین پول می‌تواند سند ذخیره ارزش و نه خود ذخیره ارزش (ویژگی مال بودن) باشد، پول می‌تواند به علت سند بودن دارای ارزش مبادله گردد؛ همچنین باید افزود اتفاقاً پول «حاکمی از» پشتوانه است و از این جهت مال نیست. آن انحرافی که امروزه برای پول‌های جاری اتفاق افتاده است خللی در تعریف و مبنای پول اعتباری ایجاد نمی‌کند.

۷- نویسنده دلیل هفدهم (پول اعتباری به حسب قدرت خرید واقعی، مثلی هستند) را پذیرفته است؛ اما در اثبات این دلیل به دو بیان از فقها استناد کرده و استدلالی مشاهده نمی‌شود.

۸- تفاوتی که نویسنده بین پول حقیقی (درهم و دینار) و پول اعتباری قائل می‌شود خیلی خوب تبیین نشده است. چرا که پول حقیقی به ذات خود دارای ارزش است و به نوعی کالا محسوب می‌شود در حالیکه پول اعتباری صرفاً به دلیل قدرت خریدش دارای ارزش است و با گذشت زمان و وجود تورم قدرت خرید پول اعتباری کاهش می‌یابد و لازم است جبران صورت گیرد.

۹- آنجا که استدلال می‌شود اگر تورم به گونه‌ای باشد که عرف آن را تورم پایینی بدانند جبران لازم نیست و اگر تورم بالا باشد باید جبران صورت پذیرد نیز اشکال دارد. چون با پذیرش این نکته، به طور ضمنی باید درخواست مقدار اضافی وام‌دهنده از مدیون را بپذیریم و با قبول این موضوع تعیین کردن مقدار بالای تورم توسط عرف جامعه کار مشکلی است. به هر حال اگر تورم مثبتی وجود داشته باشد (حتی ۱ درصد) بی‌شک قدرت خرید



پول با گذر زمان کاهش می‌یابد و وام‌دهنده نباید از دادن وام قرض‌الحسنه (که از هزینه فرصت پول صرف‌نظر کرده است) اینگونه متضرر شود.

۱۰- آنجا که به استناد به قاعده «لا ضرر» ضرر وارد شده را از اراده مدیون خارج می‌داند قابل بررسی است. مطابق این قاعده ضرر رسیدن به وام‌دهنده نیز از نظر شرع پسندیده نیست و ذکر این مثال که "وام‌دهنده اگر پول را قرض نمی‌داد و در صندوقی محبوس می‌کرد و به هر حال ارزش آن کاهش می‌یافت" قانع‌کننده نیست، چون وام‌دهنده با خرید کالایی بادوام می‌توانست قدرت خرید پول خود را حفظ کند.

۱۱- به نظر می‌رسد مباحثی که نویسنده در بخش اول فصل در ذیل «دلیل نخست: مثلی بودن پول» و «دلیل دوم: جبران کاهش ارزش پول مصداق ربا» بیان می‌دارد با یکدیگر هم‌پوشانی دارند. به عبارت دیگر، اگر بر اساس دلیل اول بطور حتم بگوییم که پول مثلی است، دلیل دوم که ربا بودن جبران کاهش ارزش پول است، قطعی می‌شود و بالعکس اگر فرض کنیم قیمی بودن پول مسلم است، دلیل دوم به تبع آن ملغی می‌گردد. بنابراین به نظر می‌رسد این دو دلیل با یکدیگر موازی بوده و جدا از هم نمی‌باشند. بنابراین تتری که ذیل دلیل دوم با عنوان "مقدار زیادت از ارزش اسمی، ربا است" آمده یعنی پول مثلی می‌باشد و اگر پول قیمی باشد این تتر اشتباه می‌باشد.

۱۲- در این تحقیق شاخصی برای تفکیک انواع مختلف سطوح تورم از یکدیگر ارائه نشده است. به عبارت دیگر، متر یا سنجی نویسنده برای تقسیم‌بندی تورم به (شدید، متوسط و خفیف) واضح نیست. یعنی ایشان چه نرخ از تورم را به عنوان حد آستانه در ذهن دارند که با عبور تورم از آن حد آستانه، بتوان تورم را شدید دانست. به نظر می‌رسد نویسنده به این نکته توجه کافی نداشته‌اند که روزی در اقتصاد ایران تورم ۱۵



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

درصد، شدید به حساب می‌آید اما اکنون که پیش‌بینی بانک مرکزی و برخی نهادهای تحقیقاتی برای تورم سال ۱۳۹۱ برابر با ۳۲ درصد می‌باشد، دیگر نمی‌توان نرخ ۱۵ درصد را، شدید محسوب کرد. بنابراین شدید، متوسط یا خفیف بودن، مفاهیم مطلق محسوب نمی‌شوند بلکه نسبی هستند و کمی نمودن آن‌ها بسیار مشکل است.



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

و- منابع و مآخذ

- ۱- توتونچیان، ایرج. (۱۳۷۹). پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری. تهران: توانگران.
- ۲- عسگری، محمد مهدی. (۱۳۸۱). مقایسه تحلیلی آثار زکات و مالیه تورمی، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- ۳- عسگری، محمد مهدی. (۱۳۸۴). تحلیل نظری زکات، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- ۴- موسوی خمینی، سیدروح الله. (۱۳۷۹). البیع، بی‌جا: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۵- ندری، کامران. (۱۳۸۱). تحلیل مفهوم بهره طبیعی و سهمیه‌بندی اعتباری. پایان‌نامه دکتری اقتصاد، به راهنمایی اسدالله فرزین‌وش، دانشگاه امام صادق (ع).
- ۶- یوسفی، احمد علی، ۱۳۷۷، «ماهیت پول و راهبردهای فقهی و اقتصادی آن»، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۷- یوسفی، احمد علی، ۱۳۸۱، «ربا و تورم: بررسی تطبیقی جبران کاهش ارزش پول و ربا»، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.